

نگاهی به جشنواره فیلم فجر

مصطفی مرشدلو



ملاقات با طوطی

از مدتی متوجه محل اختفای او می‌شود و برای کشتن یا ناقص کردن جسمانی او اقدام می‌کند که کشته می‌شود. این فیلم به رغم این لایه ظاهری در بردارنده تلقی مشخص از مسأله زن است، زنی که در مظان اتهام ارتباط‌های جنسی تا مشروع است و به همین دلیل به فتوای پیر قبیله باید که کشته شود. نکته جالب توجه دیگر تاءکید سینماگر بر ازدواج زودهنگام این دختر است و اینکه در همان کودکی مورد استفاده جنسی یک مرد مسن قرار می‌گیرد. به هر روی بیشتر بار درام ماجرا که محور توجیه کشمکش فیلم به حساب می‌آید تلقی‌ای است که همسر دختر نسبت به او دارد و گمان می‌کند این زن با فرار خود آبروی او را برده است و مشخصاً به راحتی با اطلاعاتی که سینماگر می‌دهد مشخص می‌شود که این گمان و ظن حول مفهوم خیانت دختر به همسرش شکل می‌گیرد. دقیقاً همان نکته‌ای که وکیل خانواده مقتول در دادگاه علیه دختر و پسری که به دختر احساس دلستگی دارد طرح می‌کند.

۲- «پروانه‌ای در باد» عباس رافعی

این فیلم حتی به عنوان تجربه اول یک سینماگر کاری قابل قبول نیست، این امر هم بیشتر ریشه در ریاکاری‌ای دارد که در صحنه‌هایی از اثر که تاءکید بر دیانت شرعی شخصیت زن فیلم می‌کند بروز حاد خود را می‌یابد، اما به هر روی در این اثر هم که حول قصه قدیمی مادری دلسوز به دنبال گرفتن حضانت فرزندش از پدری فاسد اخلاق یا غیرشایسته دست به عمل می‌زند، کل درام و کشمکش فیلم بار دیگر حول مفهوم رابطه زن و مرد شکل می‌گیرد. صحنه‌هایی را به یاد بیاورید که مادر در ماشینی نشسته که قرار است او را نزد کسی ببرد که نشانی از همسر و فرزندش دارد، زن چگونه روی خود را از راننده می‌پوشاند تا مبادا مورد تعدی از جانب او واقع شود یا زمانیکه سوار ماشین دیگری در جاده می‌شود مورد آزار راننده قرار می‌گیرد و به زحمت خود را از چنگال او بدر می‌آورد و در نهایت سکانس فینال را به یاد آورید که همسرش او را متهم به خیانت جنسی و ارتباط نامشروع با یک مرد غریبه می‌نماید و در نهایت

جشنواره فیلم فجر دوره بیست و دوم خود را به پایان برد، ولی افسوس و هیاهات که هر سال جشنواره را با تلقی‌ات ساده و تک بعدی تعبیر و تحلیل می‌کنیم و غافل می‌مانیم از اینکه هر سال چه اتفاقات متفاوت و متمایزی در خلال آثار عرضه شده در جشنواره رخ می‌دهند، این ضعف شاید بیشتر از هر چیز معلول ضعف دیدگاه ما بر آثار و صنایع فرهنگی است.

حداقل از ۶۰ سال پیش تا به امروز سینما و یک اثر سینمایی بیش از آنکه اثری سرگرم کننده صرف تلقی شود، اثری است که باز تولید یک فرهنگ است در تعبیری آشناتر سینما محصولی از مصنوعات، صنعت فرهنگی است. شاید معنای این سخن آن باشد که اثر سینمایی برآیند یک فرهنگ است و می‌توان از خلال آن بر بحرانه‌ها و مسائلی موجود در فرهنگ در رسید. در این مقاله کوتاه که به مناسبت جشنواره بیست و دوم فجر نگاشته شده، نگارنده سعی خواهد کرد به یکی از جنبه‌های گونه‌گون آثار عرضه شده در این جشنواره بپردازد.

جشنواره امسال به شدت تحت تاءثیر فضای جنسی ناسالمی است که محیط ایران معاصر از آن ملتهب است. نگارنده در جشنواره امسال شاید یکی از متحول‌ترین سالهای سینمای ایران، در مقطع تاریخی بعد از انقلاب ایران، را تجربه کرده است. موضوع محوری این مقاله کوتاه بررسی جایگاه مسأله «رابطه زن و مرد» در ساختار آثاری است که در جشنواره امسال به نمایش درآمده، البته شاید این مسأله کمی عجیب در نظر آید، چرا که جشنواره امسال به شدت کنترل شده برگزار شد به نحوی که در کنار هیئت انتخاب جشنواره هیئتی هم وجود داشت که وظیفه نظارت و ارزیابی اخلاقی فیلمها را بر عهده داشت ولی در عین این کنترل‌های شدید فضای مسمومی از جنسیت حول مفهوم غیراخلاقی «رابطه زن و مرد» وجود داشت که شایسته توجه و تامل است، در حقیقت هدف از نگارش این مختصر بررسی همین مسأله در آثار عرضه شده در جشنواره است.

نگارنده از ۲۷ فیلمی که در جشنواره توفیق دیدنشان را به دست آورد، چه در بخش مهمان و فیلمهای اول و دوم و چه در بخش اصلی مسابقه سینمای ایران - در کمال تعجب با آثاری مواجه شد که کمتر با موازین سینمایی مورد قبول منطبق بودند، آثاری که خصیصه اصلی‌اشان تلویزیونی - آنهم از نوع سیمایی که کشور ما امروز دارد بودن است. با اینحال این آثار انعکاس وضعیتی بحران زده به لحاظ جنسی بودند. در این مختصر نگارنده ضمن اشاره‌های موردی سعی خواهد کرد نشان دهد که چگونه این آثار به ظاهر برخوردار از داستانهایی متفاوت تلقی خاصی از جنسیت را انعکاس می‌دهند.

۱- «به من نگاه کن» ساخته شهرام اسدی

فیلم به من نگاه کن با داستانی به ظاهر انتقادی - انتقاد از سنتها و رسوم خرافی که بین اقوام کمتر متحول شده وجود دارند. سعی داشت به وضعیت زن در بستر یک خرده فرهنگ ایرانی بپردازد. داستان حول شخصیت دختری شکل می‌گرفت که به خاطر ضعف بنیه مالی خانواده مجبور شده تن به ازدواج با مردی مستتر از خود بدهد، اما پس از مدتی می‌گریزد و در تهران یا زنی که مربی ورزش «دو» است آشنا می‌شود و توفیق می‌یابد تا قهرمان مسابقات کشورهای اسلامی شود. همسر او پس

توسط زن کشته می‌شود. غالب کنش‌های درام‌اش حول مفهوم «رابطه نامشروع» شکل گرفته‌اند.

۳- «رسم عاشق کشی» خسرو معصومی

فیلم خسرو معصومی به تمام معنای کلمه یک فیلم فارسی است. فحشها و بد و بیراهه‌هایی که رد و بدل می‌شود تا آن پایان‌بندی به واقع نجسب و بیمارگونه نشانگر آنست که سینماگر به درستی آگاهی نداشته است که بدنبال چیست. از اینها که بگذریم فیلم «رسم عاشق کشی» داستان خانواده‌ای است که نان‌آور آن به علت قطع غیرقانونی درخت به زندان می‌افتد و مادر خانواده باید خرج خانواده را در بیاورد. تا بدینجا که اکثر داستان فیلم است هیچ نکته‌ای مرتبط با موضوع مطروحه ما وجود ندارد. اما سکانسی را به یاد بیاوریم که صاحب آره که متضرر شده است برای وصول خسارت خود به خانه آن مرد مراجعه می‌کند و با زن او شروع به مشاجره کرده و به او، با صراحت لهجه می‌گوید که از هر طریقی چه شرعی و غیر شرعی طلبش را بپردازد. و این سخن به معنی خودفروشی زن تعبیر می‌شود. از سوی خود زن یکی از کشمکشهای اصلی فیلم را بوجود می‌آورد. مورد دیگر فیلم ارتباطی است که

مارمولک

بین دختر این خانواده با سرباز پاسگاه وجود دارد، در ارتباط این دو که با هم نامزد هم هستند رگه‌های کنشهای جنسی بسیار زیادی وجود دارد، که هر از چند گاه با مخالفت شدید مادر همراه است. ارتباطهایی که تشدیدگر فضایی هستند که احتمال کنشهای جنسی را تقویت می‌کنند.

۴- «شاه خاموش» ساخته همایون شهنواز

فیلمی فاقد هرگونه انسجام سینمایی و کاملاً خام داستانه و تا حد زیادی آمانوژی. به واقع یک اسراف سرمایه تمام. با اینحال این اثر هم یکی از موفقیتهای اصلی‌اش حول مفهوم ارتباطی است که بین احمد شاه و دختر سفیر انزلیش وجود دارد بیش از آنکه ارتباطی از نوع شاعرانه و عارفانه متداول ادبیات ایرانی باشد عشقی است با شور وافر جنسی، در برخورد اولی که بین این دو شخصیت واقع می‌شود این حس ارتباط جنسی به خوبی افاده می‌شود و هر چه پیشتر می‌رویم احساس ارتباطی گناه آلود و در ذهن مخاطب تشدید می‌شود. در ضمن این ارتباط بیش از پیش با حساسیت سفیران روس و انگلیس به سمت این مفهوم سوق می‌یابد و آن گفته سفیر انگلیس را در سکانس فینال می‌توان مویدی بر این نظر فرض کرد که به سفیر روس می‌گوید «شاید در بین قزاقهای شما برای مادام موردی بهتر از احمد شاه پیدا شود.»

۵- «خداحافظ رفیق» ساخته بهزاد بهزادپور

بهزادپور فعالیت خود در حوزه سینما را با بازی در فیلمهای اولیه مخملباف در حوزه هنری آغاز کرد. از آنزمان تا به امروز، متأسفانه او به درستی به درک رسانه پی نبرده است، فیلم او فاقد منطق و انسجام در خور یک اثر سینمایی محکم است. کلک پست‌مدرن کار که در پایان ایزود سوم رخ می‌نماید هم هیچ کمکی به متفاوت بودن فیلم نمی‌کند فیلم او جزو شمارزده‌ترین آثار در حوزه دفاع مقدس است. اما ربط فیلم بانگه خاص این مقاله. ایزود اول فیلم است که دو ارتباط زناشویی را در درون ساختار خود دارد. ارتباط اول ارتباط جانبازی شیمیایی است که در آستانه مرگ است با همسرش ارتباط اول که به واقع به تقبیح رفتار زن با همسرش استعمار دارد به زن انتقاد وارد می‌آورد که به دنبال هوس همسر خود را ترک می‌کند و به شویی دیگر دل می‌بازد و ارتباط دوم برخلاف ارتباط اول تآکید بر حفظ خاطره همسر از دست رفته می‌گذارد و آنرا در کمال معنا تصویر می‌کند.

۶- «شکلات» افشین شرکت

شکلات یک اثر مبتذل به تمام معنی است. فیلم بیش از آنکه محتوای فرهنگی سازنده داشته باشد یک اثر مخرب فرهنگ

است، با بهره‌برداری بی‌شائبه از عناصر غیر اخلاقی. یکی از داستانهای مؤکد فیلم که از کشمکشهای اصلی فیلم هم محسوب می‌شود ارتباط سه‌جانبه میان دو پسر و یک دختر است. پسری با یک سوپرستار سینما تصادف می‌کند و خود را برای تلکه کردن آن سوپرستار به عییلی می‌زند و دختر که نامزد این پسر است طرف عشق هر دو قرار دارد. سینماگر از طریق روایت دانای کل به ما نشان می‌دهد که رابطه سوپرستار و دختر بیشتر یک رابطه پاک و بی‌غل و غش است اما ذهن نامزد دختر، بیشتر به سمت خیانت دختر متمایل است؛ این ذهنیت بیشتر از آن پسر در ذهن مخاطب تقویت می‌شود که دختر بعد از برملا شدن شخصیت نامزدش او را ترک می‌کند و با سوپرستار سینما طرح زندگی آینده را می‌ریزد، به خوبی مشخص است که کشمکش ایجاد شده به جهت احساس خیانت از طرف دختر در باب مفهوم رابطه ناسالم است که یکی از عناصر درام فیلم را رقم می‌زند.

۷- «صبحانه‌ای برای دو نفر» مهدی صباغ‌زاده

صباغ‌زاده هیچ وقت توفیق آنرا نخواهد یافت که اثری سینمایی خلق کند زمانیکه فیلم او در جشنواره اکران شد بسیاری از صندلیهای سینما خالی بودند و این خود نشانگر جایگاه او در بین سینماگران و خود سینما است. اما فیلم او اثری است به شدت سقوط کرده و متنزل، فیلمی که نه



صبحانه برای دو نفر

می‌زند آنست که دخترک با تن دادن به خود فروشی پول و پله‌ای به جیب زده است. به واقع این اولین تلقی است که ما هم بعد از فهمیدن اصل ماجرا در ذهنمان شکل می‌بندد. دختری که به حقه و دروغ خود را وپال گردن کسی می‌کند، این احساسها زمانی تقویت می‌شوند که طرف سوم این عشق - همدست دختر - به عشق او اعتراف می‌کند و ما را بیش از پیش به این سویه هدایت می‌کند که دخترک در واقع بالقوه در جایگاه تنزل است مورد جالب توجه دیگر منشی مردی است که با دخترک تصادف کرده است. او به راحتی به مرد پیشنه‌ادیک سفر دو نفره به یک شهر ساحلی یا توریستی می‌دهد، گویی مرد همسر اوست. این حس در باب این ارتباط با آرایش و سر و وضع آن زن بیش از پیش تاءکید می‌شود. مورد سوم زنی است که صاحب خانه‌ای است که دخترک و خانواده‌اش در آن زندگی می‌کنند. به واقع دعوای زن نشانگر آنست که یکی از مردانی که در آنجا مستاجر است به دنبال روابط غیر سالم با آن زن است و...



برگ برنده

۹- «عاشق مترسک» مهدی نوربخش

کار اول نور بخش را نتوانستم ببینم اما کار دوم او به هیچ روی اثری قابل قبول نیست. به هر روی فیلم حول رابطه یک دختر خل وضع با یک سرباز زخمی شکل می‌گیرد. دخترک با پدرش در یک محیط دور افتاده زندگی می‌کنند. پدر دختر به علت کشتن سربازی که خیال تجاوز و تعدی به همسرش را در سر داشته مجبور به ترک دیار شده است. به واقع این کشمکش حول این مفهوم است. دومین کشمکش در حول این مفهوم ارتباطی است که فروشنده دوره گرد با حضورش آنرا به وجود می‌آورد، هر گاه او ظاهر می‌شود این حس هم وجود دارد که هم الان به دخترک حمله‌ور شود و... سومین ارتباط از این نوع. ارتباط سرباز فراری با دختر است که بیشتر ارتباطی پاک و بی‌آلایش است اما با آگاهی یافتن پدر به وجود سرباز این ارتباط به مرتبه یک ارتباط گناه‌آلود تنزل می‌کند. به واقع پدر از ترس به وجود آمدن این نحوه ارتباط پسرک را در اتاقی محبوس می‌کند. و مورد چهارم حول آن افسر نظامی شکل می‌گیرد افسری که یکبار تجربه تا حدی گناه‌آلود را از سر گذرانده است. هر آن بیننده انتظار دارد که دخترک را به جهت مشابهت شدیدش با عشق دوران جوانی‌اش به اکراه همراه خود ببرد و...

مخاطب خاص را جلب خواهد کرد و نه توفیق آنرا می‌یابد که مخاطب عام را راضی کند. فیلم حول شخصیت دختری شکل می‌گیرد که اقدام به خودکشی کرده است شاید استعاره‌ای از صادق هدایت که خودکشی را بین روشنفکران وطنی قداست بخشید - دخترک با روح پرتنتشی که داشته هیچگاه نمی‌توانسته یکجا بند شود و همیشه لبریز و سرشار از حیات به این و آن سو سرک می‌کشیده و سر می‌زده است. اما آنگونه که داستان پیش می‌رود به ما نشان داده می‌شود که او را هم به جهت کشش جنسی که داشته است می‌خواسته‌اند و این به رغم آمال و ایده‌های دخترک بوده است. مورد دیگر فیلم دختری است که در مسافر خانه کار می‌کند که با قیافه به شدت غلط‌اندازش انعکاس احساسات غیر اخلاقی است تا احساساتی سالم و غیرجنسی.

۸- «برگ برنده» سیروس الوند

کمتر اثری را از او می‌توان تا به آخر تحمل کرد و اشتیاق دوباره دیدنش را داشت. فیلم آخر او داستان دختری است که با صحنه‌سازی دروغین خود را وپال گردن انسانهای ثروتمند می‌سازد و به این طریق آنها را تلکه می‌کند. در فیلم الوند دو شخصیت مرد وجود دارند که نسبت به کرده این دخترک احساس علاقه و عشق دارند. پدر دخترک، معتاد است و چون دخترش را با لباس گرانتیمنت می‌بیند، اولین فکری که به سرش

۱۰- «مارمولک» کمال تبریزی

فیلم تبریزی یک فیلم راحت و فارغ از پوشیدگی در مورد ادای مقصود است. زندانی فراری در ارتباطی گناه‌آلود با دختری قرار می‌گیرد که مورد تعدی همسرش قرار گرفته و از او متاثره کرده است. او از هر لحظه خلوتی که با دختر به دست می‌آورد کنشی جنسی از خود بروز می‌دهد.



عاشق مترسک

۱۱- «قدمگاه» مهدی عسگرپور

قدمگاه یک پدیده است. فیلمی که برای اولین بار سراغ موضوعی می‌رود که به واقع تا به حال کسی به این راحتی نتوانسته به آن بپردازد. امام غایب، برای ننگ زدایی از نام زنی که به زنا متهم شده بود و توسط مردم قربانی شده است تجلی می‌کند و به عیان در می‌آید. این نکته‌ای بس عجیب است که خود شایان تاامل بیش‌تر است. اما به هر روی اکثر مردان روستا کنشی گناه‌آلود نسبت به زنی شوهر مرده داشته‌اند و چون توفیقی در مطالبه‌اشان نیافته‌اند به او انگ «زناکاری» زده و او را به قتل می‌رسانند. فرزند زن مقتول در نهایت با ظهور حضرت و واقعیت ماجرا را در می‌یابد و می‌فهمد که مادرش آنگونه که مردم ده می‌گویند نبوده است، این فیلم با همین ساختار تکرار بسیاری فیلم فارسیهایی است که قبل از انقلاب با موضوعاتی مشابه و بدون دخالت عنصری چون امام غایب ساخته می‌شده‌اند.

معلوم نمی‌شود دخترک به دروغ مدعی تاهل است تا از مزاحمت‌های دیگران رها باشد ارتباط‌های این دو نفر القاگر ارتباط‌های نامشروعی است.

به یاد بیاورید سکانسی را که دختر خود را بزک می‌کند تا بیشتر خود را در دل پسرک جا نماید، اما بنا به عللی پسر بر سر قرار حاضر نمی‌شود و دختر مایوس شده و ناراحت می‌گردد. به واقع تاه‌کیده‌های فرهادی در این فیلم بیش از پیش در پی انعکاس فضای «گناه‌آلود» جامعه است. یکی از کانون‌های نقادی او در این فیلم مسأله گناه است.

۱۵- «مزرعه پدری» رسول ملاقلی پور

فیلمی به شدت آشفته و نه چندان در خور سابقه ملاقلی پور. اما به هر حال فیلمی است که در زمینه سینمای جنگ یک نقطه مثبت تلقی می‌شود. فیلم ملاقلی پور هم، در داستان‌های فرعی‌اش تاه‌کید بسیار حادی بر مسأله گناه دارد. سربازی را به خاطر بیاورید که همسرش مورد تعدی سربازان عراقی قرار گرفته است و این مهم، اساسی‌ترین انگیزه او برای اقدام‌های خشونت‌بار بعدی علیه سربازان عراقی است. به واقع ملاقلی پور در این فیلم به کمک این واقعه انگیزه‌های تمهیدی می‌کند که یک ایرانی اقدام به مقابله با سربازان بعثی می‌کند.

۱۶- «دوئل» احمد رضا درویش

فیلم دوئل درویش به رغم بودجه هنگفتش در تحلیل نهایی، فیلمی است کاملاً مبتنی بر ارزش‌های فیلم فارسی‌های دوران گذشته. اما ارتباطش با موضوع این مقاله آنجاست که یکی از داستان‌های فرعی فیلم که تا به آخر فیلم استمرار می‌یابد ارتباط یک جانبه‌ای است، که میان یکی از خوانین و بزرگان منطقه پایک زن در آن منطقه وجود دارد. مرد خواهان تصرف زن است و زن حاضر به ارتباط با مرد نمی‌شود. ارتباط دیگر ارتباط سه جانبه‌ای است که میان دو جوان رقیب بر سر یک دختر وجود دارد که خود کشمکش داستان را بیشتر می‌کند به خوبی پیداست که یکی از مهمترین موضوعاتی که کشمکش‌های فرعی در فیلم ایجاد می‌کند کشمکش‌های جنسی است.

۱۷- «شمعی در باد» پوران درخشنده

آخرین تجربه پوران درخشنده یک سریال تلویزیونی است. از حیث کثرت داستان‌هایی که در درون خود دارد. اما فیلم او در نوع خود یک فیلم مرز شکن بود. تاه‌کیده‌های زیاد بر مسأله اعتیاد و خلسه حاصل از مصرف



باج خور

۱۲- «باج خور» فرزاد مؤتمن

این فیلم مؤتمن مانند فیلم دیگر او «شبهای روشن» در فضایی تماماً غیرواقعی و غیر ایرانی جریان دارد به واقع مؤتمن در پارادایم فرهنگی ایران زندگی نمی‌کند. اما فیلم او، داستان زنی است که با مردان ثروتمند ارتباط‌های «گناه‌آلود» برقرار می‌کند و پس از مدتی مبلغی قابل توجه از آنها دریافت کرده و سراغ مردی دیگر می‌رود. فیلم با تاه‌کید خاص خود بر روی آرایش‌های غیر سالم زن، در بیننده این انتظار را به وجود می‌آورد که هر آن منتظر شکل‌گیری ارتباط «گناه‌آلود» دیگری باشد.

۱۳- «بوتیک» حمید نعمت‌ا...

نعمت‌ا... نشان می‌دهد یک سینماگر جدی است و ای کاش تا به آخر کارش اینگونه باقی بماند. اما فیلم او؛ بطور بسیار بارزی حول ارتباطات «گناه‌آلود» شکل می‌گیرد. عمده وجه انتقادی اثر او تنزل مقام زن تا حد یک موجود ارضا کننده احساسات جنسی است. پرسوناژی که رضا رویگری نقشش را ایفا می‌کند مهمترین شخصیتی است که در حول او ارتباطات «گناه‌آلود» شکل می‌گیرد. او به راحتی با هر زنی که تماس دارد، ارتباط «گناه‌آلود» هم دارد. او یک حرفه‌ای است و پلیدترین شخصیت فیلم و این پلیدی و ناموجهی او همه ریشه در کشش‌های او دارد. نعمت‌ا... از پلیدیها و پستی‌های جامعه تنها این جنبه قضیه را می‌بیند.

۱۴- «شهر زیبا» اصغر فرهادی

مقاله‌ای در باب فرهادی توسط نگارنده ترتیب داده شده و به روزنامه شرق ارسال گردید اما روزنامه از چاپ آن خودداری کرد. با اینهمه در آن مقاله نگارنده به این نتیجه رسید که فرهادی همه چیز را از دریچه مادیت اقتصادی می‌نگرد و در فیلم‌های او مجالی برای ابراز دیگر عوامل حیات انسانی کمتر است. این آخرین اثر او که متأسفانه در این عصر بحرانزده هوش از عقل بسیاری برداشتی است که انعکاس ژرفی از ارتباط‌های غیر مشروع جنسیتی را بروز می‌دهد. در فیلم آخر فرهادی یکی از مهمترین موتیف‌های فیلم ارتباط تا حد زیادی مؤکد پسری است که از دارالتاه‌دیب آزاد شده تا رضایت خانواده مقتولی را به نفع قاتل که دوستش است جلب نماید با خواهر یک قاتل فرهادی به ما با تاه‌کیده‌های مکرر بر حلقه ازدواج نشان می‌دهد که دختر صاحب شوی و بیچه است و به همین روی ارتباط گرفتن پسر با او محدود می‌شود پسرک خود را مورد مؤاخذه قرار می‌دهد که با زنی که صاحب شوهر و فرزند است نباید به این راحتی ارتباط بگیرد در حقیقت تا وقتی که



دوئل

گناه متمرکز شده است، او بعد از شکست مبدل به یک فاحشه گردیده است. موارد دیگری هم هست که به راحتی می‌توان در فیلم سراغ گرفت.

۲۰- «سربازان جمعه» مسعود کیمیایی

فیلم مسعود کیمیایی عناصر همان فیلمهای قبل از این فیلمش را جمع کرده است، اما این اثر را می‌توان کیمیایی‌ترین فیلم مسعود کیمیایی بعد از مقطع تاریخی پس از انقلاب دانست. سربازان جمعه یکی از انگیزه‌های اصلی‌شان برای اقدام عملی در جهت انتقام گرفتن از عوامل انحراف و فساد خواهر یکی از این سربازان، گناه است. در سکانسی از فیلم، مردی قوی هیكل و متمول دخترک را برای عیش بازی و هوسرانی با خود به خانه‌اش می‌برد و در آنجا مردی او را به فرار تحریض می‌کند و هشدار لازم را به او می‌دهد. به واقع تاءکید کیمیایی بر مفهوم گناه با دیگر عوامل انحراف اجتماعی قرین می‌شوند مانند اعتیاد و تنهایی و انزوا و شکست‌های عشقی و روانی این عنصر کشمکش بیشتر از دیگر عوامل خون سربازان را به جوش می‌آورد و آنها را برای اقدام عملی آماده می‌کند. شاید بتوان گفت مهمترین عنصر روانی‌ای که توجیه کننده اقدام خشونت بار سربازان می‌شود مفهوم گناه است.

۲۱- «معادله» ابراهیم وحیدزاده

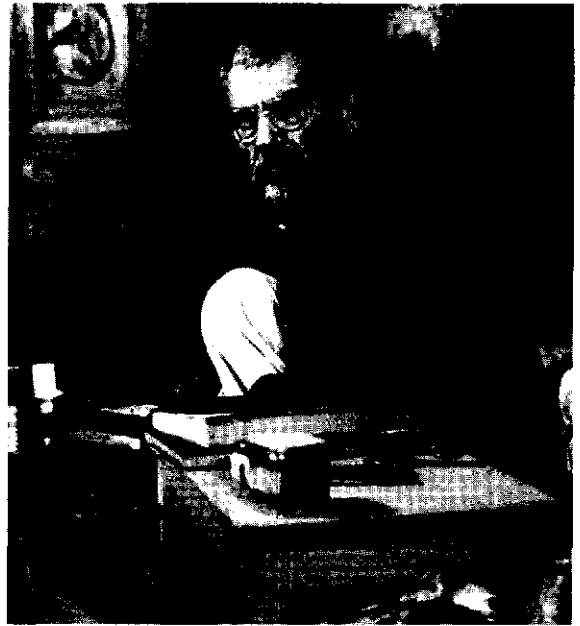
معادله یک پله صعودی برای وحیدزاده است. فیلمی با طنزی کاملاً روان و خالی از سخته. معادله در مرکزیت خود، داستان ارتباطات گناه‌آلود را بیشتر از فیلمهای دیگر مورد توجه قرار داده است. ارتباطات جنسی فراوان و گاه نامشروع، بن مایه کشمکش فیلم را شکل می‌بخشد. فیلم معادله شاید بتوان گفت یکی از بهترین فیلمهایی باشد که به راحتی می‌توان در آن بدون هیچ ریاکاری، التهاب جنسی موجود در جامعه معاصر ایرانی را به تماشا نشست.

۲۲- «الهه زیگورات» رحمان رضایی

الهه زیگورات اثری است متمایز در این فیلم تمام کشمکش فیلم حول دختری قوام می‌گیرد که کم سن و سال است و باکره - به تاءکید پدرخوانده‌اش - و پدرخوانده او را به ازای مبلغی معامله می‌کند و برای او ملاک قیمتی یا کرکی دختر است. این تاءکید به جهت آن است که فرضاً در فراسوی مرزهای ایران قیمت این دخترها در بازار خودفروشی و فحشا بالاست. رضایی در این فیلم به پدیده پایین آوردن سن فحشا در ایران پرداخته است. طرز برخوردی دخترک با آقای دکتری که حداقل ۱۸ تا ۲۰ سال با او اختلاف سنی دارد اطلاعات بیش از پیش دخترک را نشان می‌دهد. به واقع دختر تبدیل به موجودی می‌شود که در حول او مفهوم گناه با تاءکید وحدت بسیار القا می‌شود و از طریق همین عنصر و مفهوم هم‌دلی و همدردی مخاطب را بر می‌انگیزد.

تا به اینجا فقط به فیلمهایی پرداخته شد که در جشنواره توفیق تماشا می‌آنها برای نگارنده دست داده است. متأسفانه از صدقه سر برگزارکنندگان جشنواره فیلمهای «اشک سرما»، «گاو خونی» و «برده عشق» و... سر موقع آکران نشدند و به همین جهت از اظهار عقیده در باب آنها پرهیز شد.

اما نکته تامل طلب تا به اینجای مسأله این است که فضای ملتهب و ناسالم جنسی‌ای که اتمسفر معاصر ایران کنونی را تحت تسلط خود دارد ذهنیت خلاق هنرمندانه را دچار اختلال کرده است. فیلمهای جشنواره امسال در ناخودآگاه خود بیانگر رنج و تعب هستند که از محدودیتهای فرهنگی - سیاسی جامعه امروز به آنها تحمیل می‌شود. البته این التهاب و مسمومیت فضا چند سالی است فضای سالم فکری را ملتهب کرده است، قصد داوری در باب این وضعیت در میان نیست بلکه بیشتر طرح مسأله است که در این مقاله مد نظر بوده است، طرح مسأله‌ای که به شدت دقت و توجه اهالی و دست‌اندرکاران مقتدر حوزه سینما را مطالبه می‌کند. امید که این مقاله توانسته باشد گوشه‌ای از ابعاد - شاید تا حدی بیمارگون - فضای نا سالم و منحط سینمای ایران را آرایه دهد و به آستانه طرح مسأله در رسد.



شهر زیبا

مواد مخدر در نوع خود کم‌نظیر است. اما فیلم در بطن خود نسبت به مسأله گناه بسیار تاءکید دارد. به واقع یکی از مهمترین عناصر کشمکش فیلم مسأله گناه است. اعتراض پسر به ارتباط مادرش با مردی دیگر پس از متارکه از همسر سابقش، به علت اینکه این ارتباط را گناه تلقی می‌کند. ارتباطهای خود پسر و دوستان او با دختران هم سن و سال خودشان در مجالس میهمانی شبانه که همه مبتنی بر گناه هستند و بسیاری موارد دیگر در فیلم می‌تواند شاهد مثال کافی‌ای بر این باشد که فیلم در حوزه کشمکشهای فرعی خود به شدت از مفهوم گناه بهره برده است.

۱۸- «تارا و تب توت فرنگی» سعید سهیلی

نگارنده سعید سهیلی را یکی از سینماگران شاخصی می‌داند که التفات خاصی به جنسیت، در فیلمهای خود دارد. در این آخرین فیلم او وضعیت ظاهری دخترانی که قهرمانان فیلم هستند مخاطب را به سوی این ایده سوق می‌دهد که غالب آنها شور و هیجان جنسی سرکشی دارند. تعامل غیرمتعارف آنها در جامعه - نمونه‌ای از آن در برخورد نامحترمانه و غیرمعمولشان در سفری که به غرب کشور دارند بروز می‌یابد.

۱۹- «ملاقات با طوطی» علیرضا داوودنژاد

ملاقات با طوطی یک فیلم کاملاً متحول است. فیلمی که تمام تلاشها را برای باز کردن مسیری کاملاً منطبق با معیارهای سینمای بالیوود و هالیوود طی کرده است. در جای خود اثر داوودنژاد یک اثر کاملاً تجاری است، با تمام موازین و معیارهای سینمای توده پسند عوام‌زده. اما تحول مهمتری که در فیلم داوودنژاد رخ داده است تلقی کاملاً متفاوت و متمایز او از مقوله جنسیت است. در فیلم او قهرمانان زن به مراتب بیشتر از قهرمانان مرد کنشگر هستند و اهل عمل اما فیلم به شدت به جنبه‌های انحراف‌آمیز این شخصیتها تاءکید می‌ورزد. دختری که کیف‌قاپ حرفه‌ای است اسیر چند رابطه کاملاً گناه‌آلود است. ارتباطهای او حول دو شخصیت تجسم می‌یابند، یکی پیرمردی که در تلاش است با او ارتباط برقرار کند و دیگری کارگر یک رستوران است که رابطه اصلی و البته منحرفانه زن حول او شکل می‌گیرد. زنی دیگر هم که در عشق اول خود، ناکام شده بیشتر قربانی یک ارتباط گناه‌آلود است تا عوامل روانی و فرهنگی دیگر و به همین روی اصلاً فعالیتش در زمینه همین مفهوم